

## مبحث چهارم: احکام شراکت

۱. هیچ یک از شرکاء، بدون اذن شریک دیگر، مجاز به تصرف در اموال نیست و فقط طبق آنچه سایر شرکاء اجازه تصرف داده اند، حق تصرف وجود دارد؛ مثلاً بیع نسبیۀ جایز نیست، مگر قرینه ای بر رضایت شرکاء نسبت به آن وجود داشته باشد. ( ۱۷۰۰ ) و ( ۱۷۰۳ )

مثال: لاگر برخی از شرکاء بدون رضایت سایر شرکاء، ملک مشاعی را بفروشند، معامله فقط نسبت به سهم کسانی که این کار را کرده اند صحیح و نافذ است و نسبت به سهم شرکای دیگر، متوقف بر اجازه آنان است. ( ۱۷۰۱ )

مثال ۲: اگر به شریکی اجازه داده شود که در خانه مشاع سکونت کند، برای او این سکونت جایز است و حتی می تواند زن و فرزند خود را نیز در آنجا ساکن کند؛ چون لازمة اذن سکونت در خانه، این است که برای خانواده اش هم تصرف در خانه جایز باشد و همچنین آنچه متعارف از آمدن مهمان است.

۲. در تمام شراکت ها با هر سببی که بوده باشد ( ارث، حیازت و .... ) اگر یکی از شرکاء قصد جدا کردن سهم خود را دارد و دیگران مخالفت می کنند، شخص می تواند به حاکم شرع مراجعه کند. ( ۱۷۰۵ )

### مسئله

هیچ یک از شرکاء حق ندارند مانع جدا شدن شریک دیگر از شراکت شوند. همچنین نمی توانند به دلیل ترس از اینکه اگر یکی از شرکاء اموالش را دریافت کنند، آنها را در راه شر و گناه مصرف می کند، مانع حق او شوند. بلکه فقط وظیفه نهی از منکر دارند. ( ۱۷۱۳ )

۳. در شرکت عقدی، شرکاء به نسبت سهم سرمایه خود در سود و زیان شریک اند. ولی اگر شرط کرده باشند یکی بیشتر از سهم سرمایه خود از سود حاصله برخوردار باشد، صحیح است. ( ۱۷۰۹ )

۴. شریک امین است. بنابراین اگر بدون تفریط ( کوتاهی و عدم محافظت از سرمایه ) یا زیاده روی مال تلف شود، ضامن نیست و لذا اگر شریک منکر تفریط یا زیاده روی شود، با قسم خوردن در محکمه سخنش پذیرفته می شود.

۵. عقد شرکت از عقود جایز است ( از قراردادهایی نیست که طرفین ملزم باشند آن را فسخ نکنند. بلکه حق فسخ وجود دارد). حتی اگر در ضمن عقد شرکت شرط کرده باشند تا زمان به خصوصی ( مثلاً ۲ ماه دیگر ) حق بر هم زدن عقد شرکت برای شرکاء وجود نداشته باشد، باز حق فسخ برای شرکاء وجود دارد. مگر اینکه مصالحه ای انجام گرفته باشد یا چنین شرطی در ضمن یک عقد لازم ( مثلاً یک بیع بدون خیاری یا اجاره ) انجام شده باشد. بلکه اگر در ضمن عقد جایزی شرطی کند، مادامی که عقد باقی است وفای به آن واجب است.